

مقاله پژوهشی: بررسی نقش طبیعت بر ایجاد حس امنیت ساکنین در مجتمع‌های زیستی

محمد بهزادپور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

چکیده

توسعه شتابان شهرنشینی، جامعه شهری را از یک سو با مسئله اضمحلال روابط همسایگی و کاهش حس امنیت ساکنان مواجه و از سوی دیگر، ارتباط شهروندان با طبیعت را در دنیای امروز قطع نموده است. هدف این تحقیق، بررسی نقش طبیعت در تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر حس امنیت ساکنان در مجتمع‌های زیستی «اکباتان تهران»، «پردیسان قم»، «زیتون اصفهان» و «مهرگان قزوین» است. روش تحقیق، بر حسب هدف، از نوع تحقیقات پیمایشی و از نظر شیوه مطالعه، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار سنجش تحقیق به صورت پرسش‌نامه محقق ساخته و مشاهدات میدانی صورت گرفته است. برای سنجش پایایی این پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار پایایی کل برابر با ۰/۸۷ به دست آمد. روایی نیز از نوع محتوایی - صوری بوده که با بررسی‌های کیفی و محاسبات کمی، وضعیت طبیعت و فضاهاى سبز در محدوده‌های مورد مطالعه ارزیابی شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از آزمون میانگین جامعه، رگرسیون خطی و آزمون همبستگی استفاده شده است. این روش‌ها مورد تأیید جمعی از اساتید قرار گرفته‌اند. در نتیجه، بین روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی با میزان جرم و جنایت و احساس امنیت در مجتمع‌های مورد مطالعه، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: طبیعت، حس، امنیت ساکنین، مجتمع‌های زیستی.

^۱ استادیار گروه معماری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران، رایانامه:

Mohammad.behzadpour@iaui.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌هایی چون افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ‌شدن روابط اجتماعی، همسایگی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود. انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز به دنبال عرصه‌ای با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و حس امنیت، به تعامل با هم‌نوعان در بستر پویایی اجتماعی نائل شوند (عبداللهی، توکلی‌نیا و صرافی، ۱۳۸۹: ۸۵).

طبیعت و فضا سبز شهری به عنوان بستر تعاملات و روابط ساکنان و همسایگان، همواره مورد توجه معماران و شهرسازان بوده است. تغییر دهه‌های اخیر در خانه‌ها، بازارها و محله‌ها و ورود تلویزیون، کامپیوتر و تکنولوژی، فرصت‌های خالی شهروندان را پرکرده و از حضور آن‌ها در فضاهای بیرونی کاسته که این امر موجب قطع ارتباط با طبیعت در زندگی روزمره شده است. این ارتباط باید دوباره برقرار شود، چراکه طبیعت موجود در شهرها همانند ریه‌هایی عمل می‌کند که تنفس را میسر می‌سازد. شهر فاقد طبیعت، ممکن است به شهری مرده تبدیل شود و روابط همسایگی در آن کاهش یابد (گلابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). نیاز به حضور در طبیعت و تعامل با فضای سبز در همه انسان‌ها وجود دارد. وجود فضایی مکمل در کنار فضای زندگی آپارتمانی برای تأمین نیازهای اجتماعی و بهره‌مندی از طبیعت، امری ضروری است. همچنین توجه به طبیعت و فضاهای سبز به عنوان مکانی برای روابط همسایگی و گسترش تعاملات اجتماعی افراد با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. در زندگی شهری امروز، طبیعت و فضاهای سبز مجتمع‌های زیستی می‌تواند پاسخی مناسب برای رفع این نیاز باشد (بهزادفر و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸).

تأثیر محیط شهری بر حیات اجتماعی ساکنان از جنبه‌های مختلف، موضوع مطالعات و بررسی‌های متعددی بوده است. یکی از مفروضات اصلی این بررسی‌ها آن است که محیطی دلپذیر، مطبوع و امن، موجب افزایش حس امنیت ساکنان و بهبود سلامت روانی آن‌ها

خواهد شد (آرایا و همکاران ۲۰۰۶: ۳۰۸۱). در مقابل، محیط طبیعی نامناسب می‌تواند به مشکلات روانی منجر شود. برخی مطالعات نشان داده‌اند که ویژگی‌های محیط طبیعی با نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی مرتبط است (دالگارد و تامبز ۱۹۹۷: ۵۳۴). تأثیرات طبیعت تنها محدود به پیامدهای فردی نیست، بلکه سطوح اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. تغییرات نامطلوب در محیط طبیعی ممکن است به تضعیف اعتماد، کاهش روابط همبستگی اجتماعی و افزایش جرم و جنایت منجر شود (پیشین: ۳۰۸۱).

در ایران، معماری گذشته ابعاد گوناگون طبیعت را دربرمی‌گرفت. حضور و لمس طبیعت در محل زندگی، برای تأمین آرامش روحی و روانی کاربران نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. این امر موجب شده بود که دو عنصر اصلی طبیعت (آب و گیاه) در هنر ایرانی منزلی والا داشته باشند و از آن‌ها به‌عنوان مظاهر حیات، صفا و مسرت یاد شود. البته هرچه طبیعت و عناصر طبیعی در بستر اصلی به‌کار گرفته شوند، ارتباط با آن‌ها مؤثرتر خواهد بود (خالقی‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۵). با این حال، توسعه شتابان عرصه‌های شهری در دهه‌های اخیر، حیات اجتماعی و روابط همسایگی ساکنان را تحت تأثیر قرار داده و موجب شده است که توجه معماران و شهرسازان بیشتر به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی شهر معطوف شود. پیامد این رویکرد تک‌بعدی، غفلت از جنبه‌های اجتماعی و امنیتی فضاهای شهری است. ساخت مجتمع‌های زیستی متعدد با رویکرد صرفاً خوابگاهی، بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، نمونه‌ای از این غفلت است. برای نمونه، مجتمع‌های زیستی «پردیسان قم» و «مهرگان قزوین» با بی‌توجهی به نیازهای اجتماعی، همسایگی و امنیتی طراحی شده و فاقد عناصر طبیعی لازم هستند. در مقابل، در طراحی برخی مجتمع‌های زیستی، عنصر طبیعت و فضاهای سرزنده به‌وضوح دیده می‌شود. برای نمونه می‌توان به مجتمع‌های زیستی «اکباتان تهران» و «زیتون اصفهان» اشاره کرد که طراحی آن‌ها با در نظر گرفتن فضاهای سبز و زمینه‌سازی برای تعاملات اجتماعی صورت گرفته است.

براین اساس، این تحقیق به بررسی نقش و تأثیر طبیعت بر روابط همسایگی می‌پردازد؛ نقشی که می‌تواند به تقویت میزان حس امنیت در مجتمع‌های زیستی منجر شود. با استناد

به بازدیدهای میدانی و مطالعات اسناد و گزارش‌های موجود، می‌توان گفت ساکنان مجتمع‌های «اکباتان» و «زیتون» به دلیل همگونی اخلاقی، رفتاری و ذهنی، وابستگی بیشتری به یکدیگر دارند. این ویژگی موجب تعمیق روابط اجتماعی و افزایش تعاملات همسایگی در این مجتمع‌ها شده است. در مقابل، در مجتمع‌های «پردیسان» و «مهرگان»، به علت تنوع فرهنگی و فاصله‌های محسوس در طبقات اجتماعی، نوعی بیگانگی میان ساکنان مشاهده می‌شود. این ناهمگونی باعث کاهش شناخت متقابل و افزایش فردگرایی شده که نتیجه آن، کاهش تعاملات همسایگی بوده است.

براساس بررسی‌های انجام‌شده، میزان تعاملات همسایگی در مجتمع «اکباتان» بسیار خوب، در «زیتون» خوب، در «پردیسان» ضعیف و در «مهرگان» بسیار ضعیف ارزیابی شده است. مطالعه آمار جرایم و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که عواملی چون نبود روابط عاطفی و انسانی مناسب، احساس بیگانگی، گمنامی مهاجران، خلأ هنجاری (آنومی)، تنوع و تضاد فرهنگی، همگی با افزایش بزهکاری دارای رابطه‌ای معنادار هستند.

براساس داده‌های آماری، استان قم با نرخ $13/4$ و استان قزوین با نرخ $9/8$ در رتبه‌های پایین‌تری نسبت به استان‌های اصفهان و تهران قرار دارند. این ارقام، به‌ویژه در شهرک‌هایی که در حاشیه شهر واقع شده‌اند، همراه با نبود تعاملات همسایگی مؤثر و مشکلات اقتصادی ساکنان کم‌درآمد، به بروز آسیب‌های اجتماعی و افزایش بزهکاری منجر شده‌اند.

۱. مبانی نظری

۱-۱ نقش و اهمیت طبیعت (فضای سبز) در زندگی شهری:

یکی از معیارهای اصلی در ارزیابی کیفیت محیط شهری، وجود فضاهای سبز عمومی است که شهروندان بتوانند در آنجا با احساس امنیت و آسایش خاطر به گفت‌وگو و تعامل اجتماعی بپردازند. اهمیت این موضوع به حدی است که امروزه توجه به طراحی و گسترش فضاهای سبز شهری، و نیز اتخاذ سیاست‌هایی که موجب کاهش احساس یأس و

ناامیدی در میان شهروندان و تقویت پیوند آن‌ها با محیط طبیعی گردد، به یکی از مهم‌ترین وظایف نهادهای برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است (صالحی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۲). فضای سبز شهری با برخورداری از کارکردهای متنوع، نقشی مؤثر در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد مختلف دارد. این فضاها سهم قابل‌توجهی در پایداری شهر داشته و از جنبه‌های گوناگون بر حیات شهری موثرند. به‌طورکلی، کارکردهای اصلی فضای سبز شهری شامل: کارکرد زیست‌محیطی، کارکرد کالبدی، کارکرد اجتماعی - فرهنگی، ارتقای سلامت جسمی و روانی و کارکرد اقتصادی است (سوزنچی و تریوه، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

۲-۱ تعریف امنیت:

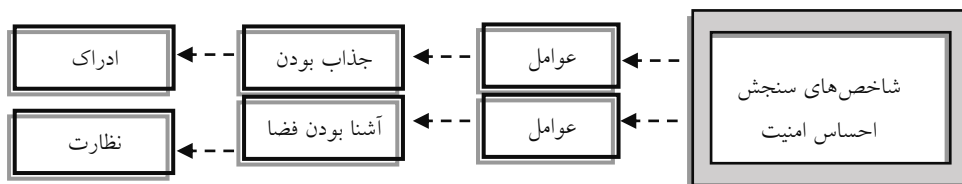
واژه «امنیت» برگرفته از کلمه «امن» و در اصل به‌معنای آرامش خاطر، اطمینان نفس و زدودن بیم و هراس و در لغت به مفهوم نبود دلهره و دغدغه است. ازاین‌رو، می‌توان آن را معادل رهایی از تشویش، اضطراب، ترس و دستیابی به احساس آرامش و اطمینان دانست. از منظر مفهومی، امنیت دو بُعد عینی و ذهنی دارد: در بعد عینی، به‌معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها و دستاوردهای فردی یا جمعی تلقی می‌شود؛ درحالی‌که در بعد ذهنی، به نبود احساس هراس از تعرض به این ارزش‌ها اشاره دارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۵).

۳-۱ تفاوت امنیت با احساس امنیت:

احساس امنیت یکی از مفاهیم بنیادین مرتبط با امنیت است که از اعتماد به تعاریف ذهنی و اجتماعی از زندگی نشئت می‌گیرد؛ تعاریفی که هویت و هستی انسان را سامان می‌دهند. این احساس در نخستین نهاد اجتماعی یعنی خانواده شکل می‌گیرد و مبتنی بر اعتماد بنیادینی است که ریشه در محبت بی‌دریغ والدین، به‌ویژه مادر دارد. احساس امنیت، برخلاف امنیت فیزیکی، پدیده‌ای ذهنی و روانی است و ضمن ایجاد اطمینان از شناخت محیط، به شکل‌گیری ساختار هستی‌شناختی فرد کمک می‌کند و به‌نوعی پایه و بنیان وجودی انسان را شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۰).

در این زمینه، برخی پژوهشگران و طراحان شهری میان «ایمنی» و «حس امنیت» تمایز قائل شده‌اند. به‌عنوان نمونه، دکتر پاکزاد در اثر خود بیان می‌کند: «ایمنی بیشتر به‌سلامت

جسمانی انسان و پیشگیری از تهدیدهایی اشاره دارد که می‌توانند سلامت فیزیکی فرد را به خطر اندازند؛ بنابراین، به مسائل ملموس و امنیت بیرونی مربوط می‌شود. درحالی‌که حس امنیت بیشتر جنبه ذهنی و روانی دارد. باید بررسی کرد که چه عواملی موجب ایجاد حس امنیت در جامعه می‌شوند و چگونه می‌توان این احساس را تقویت کرد» (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۷).



شکل ۱: الگوهای شاخص احساس امنیت (بهزاد فر و قاضی زاده، ۱۳۹۰)

۴-۱ امنیت و جرم و جنایت:

مارشال، حقوق شهروندی، آن را به سه دسته؛ حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی طبقه‌بندی می‌کند و در این چارچوب، حس امنیت را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق اجتماعی می‌داند (نقدی، ۱۳۸۲: ۲۷). از دیدگاه روان‌شناختی نیز، حس امنیت در زمره نیازهای اساسی انسان جای می‌گیرد. مازلو در سلسله‌مراتب نیازهای انسانی، پس از ارضای نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت را در رده دوم قرار داده و باور دارد که این نیاز، شدیداً با ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی محیط در ارتباط است (رضائیان، ۱۳۷۹: ۱۰۴).

درهمین‌راستا، جان لنگ در مدل نیازهای انسانی خود، نیاز به امنیت را به‌عنوان بخشی اساسی از نیازهای ابتدایی انسان معرفی می‌کند که در کنار نیازهایی همچون وابستگی، عزت‌نفس، خود تحقیقی و زیباشناختی قرار دارد (کارمونا و همکاران ۲۰۰۶: ۱۰۷۲). فالکنر نیز در تیپولوژی نیازهای شهری، حس امنیت را در دومین سطح از سلسله‌مراتب نیازها قرار داده و به شرح شرایط شهری مناسب برای پاسخ‌گویی به این نیاز پرداخته است.

در حوزه سلامت شهری، جان اشتون، از نظریه‌پردازان شهر سالم، حس امنیت را کیفیتی غیرقابل جایگزین برای تحقق شهری سالم و زیست‌پذیر می‌داند. همچنین اریک فروم حس امنیت را «جواهر سلامت روانی هر فرد» توصیف می‌کند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۲).

کامیار در «حقوق شهری و شهرسازی» حس امنیت را چنین تعریف کرده است: «حس امنیت، احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان، مال و سایر حقوق انسان است. این ارزش انحصاری، یکی از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. در گذشته، حصارها و خندق‌های اطراف شهرها به‌عنوان حریم‌های امن، شهر و ساکنان آن را از تعرض بیگانگان محافظت می‌کردند» (کامیار، ۱۳۸۲: ۳۳).

جرم به‌عنوان یک سازه اجتماعی دلالت بر نقض ارزش‌های مشترک جامعه توسط یک فرد یا گروه دارد. افزایش نرخ جرم و تنوع آن در جوامع شهری نه تنها با اصول نظام اجتماعی در تعارض است، بلکه موجب هدررفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و کاهش کلی کیفیت زندگی می‌شود و از طریق کاهش امنیت اجتماعی پایه‌های زندگی اجتماعی را تهدید می‌کند (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۴). همچنین جرائم بر عملکرد اقتصادی کشور تأثیرگذار بوده، رشد اقتصادی را کند کرده و باعث ایجاد شکاف در توسعه اقتصادی می‌شود (آرتورو و همکاران، ۲۰۱۴: ۸۷۲). جرم به رفتارهایی گفته می‌شود که خطی از قوانین کیفری باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۶۱). به بیان دیگر، «جرم در نتیجه نقض قانون اتفاق می‌افتد» (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۴). جرم شامل آن دسته از رفتارها و کنش‌هایی است که فرض می‌شود آسیب جدی به منافع جامعه وارد و در نتیجه دولت نقش مستقیمی در تشخیص و برخورد با آن اتخاذ می‌کند (کلدی، ۱۳۸۱: ۵۷). دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است که جرم تا حدی پدیده‌ای طبیعی در تمام جوامع و در همه زمان‌ها وجود داشته و ناشی از فرهنگ و تمدن هر جامعه است. وی خصلت مشترک همه جرم‌ها را چنین بیان کرده است: «جرم‌ها اعمالی هستند که همه اعضای یک جامعه به‌صورت عام آن‌ها را محکوم می‌کنند» (تاجزمان، ۱۳۶۴: ۲۳۲).

۵-۱ روابط همسایگی:

بحث تعاملات همسایگی به حوزه ارتباطات اجتماعی شهری بازمی‌گردد. افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل می‌دهند و بر پایه توقعات، هنجارها و نقش‌های مشخص، به این روابط می‌پردازند. از این‌رو، نحوه حضور فرد همراه با دیگران در

یک مکان، عاملی قوی در تصمیم او برای ماندن در آنجا است. در این زمینه، ممکن است افراد به دنبال مکان‌هایی باشند که در آن افرادی با ویژگی‌های مشابه خود از نظر طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، همسایگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد حضور دارند و آن‌ها را بشناسند.

اگرچه همگن بودن افراد باعث تشویق به ملاقات و افزایش تعاملات با فضاهای فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان می‌شود، وجود طبیعت و فضای سبز فرصتی فراهم می‌آورد تا افراد تجربه‌ای غنی و آزاد از با هم بودن و تعاملات اجتماعی داشته باشند. این مکان‌ها با داشتن ظرفیت‌های بالقوه، در مرحله نخست فرصت برابر برای ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی، حتی اگر شکننده و ناپایدار باشند، در اختیار همه ساکنان قرار می‌دهند. در مرحله بعد، پس از شکل‌گیری اولیه تعاملات اجتماعی، تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که موجب پیدایش الگوهای رفتاری متنوع می‌شوند، زمینه‌ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند بود (سلمان‌پور، ۱۳۹۵: ۲).

دیویس و هربرت همسایگی را دارای سه بعد فضایی (قلمرو جغرافیایی)، عاطفی (دلبستگی اجتماعی) و بعد اجتماعی (روابط و مبادلات اجتماعی) می‌دانند (راکعی بناب و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۹).

سوزان کِلر در «همسایگی شهری» همسایگی را منطقه‌ای جغرافیایی تعریف می‌کند که ساکنان آن در آن زندگی می‌کنند و فعالیت‌های همسایگی در آن جریان دارد. این منطقه ممکن است محدوده‌ای مشخص با مرزهای کاملاً معلوم و آداب و رسوم ریشه‌دار یا بخشی متغیر و تقریباً نامشخص از یک شهر کوچک یا بزرگ باشد که مرزهای نسبتاً مبهم و ساکنان برداشت‌های متفاوتی از حدود و نقوش آن دارند (کِلر، ۱۹۶۸: ۴). به نظر ماکس وبر؛ روابط همسایگی اساساً روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های دوطرفه در شرایط اضطراری و بحرانی است (وبر، ۱۳۷۵: ۱۹۸).

چارلز کولی، متفکر اجتماعی، همسایگی را مانند خانواده و گروه همسالان به عنوان یک گروه نخستین معرفی کرده است. رابرت پارک، از بنیان‌گذاران مکتب شیکاگو، همسایگی را «محدوده طبیعی» خوانده و آن را دارای چهارعنصر می‌داند:

۱. منطقه جغرافیایی قابل تشخیص از سایر مناطق مجاور، ۲. جمعیتی با ترکیب‌های قومی، دموگرافیک و اجتماعی خاص، ۳. نظام اجتماعی با مقررات، هنجارها و الگوهای کنش متقابل که مرتباً تنظیم می‌شود و به عنوان مکانیسمی برای کنترل اجتماعی عمل می‌کند، ۴. رفتارهای جمعی یا شیوه‌های زندگی خاص که از دیگران قابل تشخیص است.
- از سوی دیگر، تلقی اکثریت مردم از همسایگی معمولاً یک کوچه، بلوک یا بخشی از محله‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. گاهی برای برخی خانواده‌هایی که کودکان خردسال دارند، همسایگی همان محدوده جغرافیایی می‌باشد که احساس می‌کنند برای بازی کودکانشان جای امنی است (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۴-۵).



شکل ۲: بررسی متغیرهای مستقل-وابسته-میانجی در پژوهش (نگارنده)

۶-۱ آثار جامعه‌شناختی طبیعت بر ساکنان:

اجتماع و جامعه متشکل از تعداد افرادی تحت عنوان جمعیت است که در مکان‌هایی خاص و با ویژگی‌های جغرافیایی معین زندگی می‌کنند. شهرها امروزه به صورت اجتماعی مصنوع درآمده‌اند که در آن جمعیت یا شهروندان به شکلی مکانیکی و روزمره با یکدیگر در ارتباط هستند. در این میان، عامل و مکانی که می‌تواند این محیط مکانیکی و دلگیر را از حالت یکنواخت خارج کرده و به آن هویت فضایی ببخشد، طبیعت و فضای سبز است (رهنمایی، ۱۳۸۲: ۱۶۹). وجود طبیعت و فضای سبز، حس مکان اجتماعی را القا می‌کند.

این فضاها به انسان اجازه می‌دهد از دیگران بیاموزد، ارزش‌های فردی و اجتماعی خود را بروز دهد و به رشد معنوی دست یابد. فضای سبز، محیط طبیعی را به درون فضای شهری وارد می‌کنند (بهرام سلطانی، ۱۳۸۱: ۲۱۲). حضور این فضاها موجب شکل‌گیری رابطه‌ای مستحکم میان اعضای اجتماع و محیط طبیعی پیرامون می‌شود. در نتیجه، شهر قابل سکونت‌تر و تحمل‌پذیرتر خواهد بود (پیشین: ۱۶۹).

به‌طور کلی می‌توان آثار جامعه‌شناختی طبیعت و فضای سبز را بر شهروندان به‌صورت زیر بیان کرد:

ایجاد تعاملات اجتماعی بهتر و بیشتر، شناخت و دستیابی به برخی از شاخص‌های اجتماعی نظیر هنجارها، ارزش‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، شکل‌گیری تشکلهای مردمی، انتشار افکار و عقاید ارزشی، افزایش احساس خویشاوندی یا منافع مشترک، فراهم‌سازی محیطی مناسب برای تفریح در اوقات فراغت و بیکاری (باباپور، ۱۳۷۸: ۶۳)، آشنایی با مفاهیم انسانی و ارزشی، ایجاد آرامش روحی و روانی و کمک به حل چالش‌ها و تنگنایهای فردی از طریق تبادل افکار و مشورت‌های دوستانه (صالحی، ۱۳۸۷: ۶۸) از جمله آثار و پیامدهای اجتماعی حضور در فضای عمومی شهری به‌شمار می‌روند. همچنین این فضاها در تقویت روحیه، شکل‌گیری شخصیت و ارتقای انسجام اجتماعی مؤثر هستند.

۷-۱ آثار مثبت توسعه روابط همسایگی در بسترهای طبیعی و فضاهای سبز:

فواید افزایش روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در محیط‌های طبیعی و سبز شهری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۷-۱-۱ شکل‌گیری خاطره جمعی:

شکل‌گیری خاطرات جمعی در قلمرو سکونتگاه جمعی (شهر و محله‌های آن) امکان‌پذیر است. شهری که بسترهای مناسبی برای وقوع رویدادها و تعاملات اجتماعی فراهم کند، ظرفیت بیشتری برای انباشت لایه‌های مختلف خاطرات جمعی خواهد داشت (میر مقتدایی، ۱۳۸۸: ۷).

۲-۷-۱ انتقال فرهنگ و ایجاد فرصت‌های فرهنگی:

محله‌های شهری از گذشته، از کانون‌های شکل‌گیری هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. ارزش‌ها و هنجارهای محله‌ای، اساس شکل‌گیری هویت فرهنگی است و پیش‌نیاز تقویت و بلوغ این هویت فرهنگی، رشد روابط اجتماعی چهره‌به‌چهره و تقویت روابط همسایگی و حس تعلق اجتماعی است.

۳-۷-۱ ایجاد حس تعلق به محله و اجتماع:

توجه به مفهوم روابط همسایگی و همسایه بودن، از مهم‌ترین راهکارهای پاسخ‌گویی به خواست انسانی در ارتباط با نیاز به وابستگی است. به همین دلیل، توسعه روابط همسایگی و تقویت زندگی اجتماعی در محله از طریق تماس چهره‌به‌چهره، باعث ایجاد هویت و احساس تعلق به مکان خواهد شد (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

۴-۷-۱ ایجاد هویت فردی و جمعی:

رفتارهای جمعی، محصول ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی غالب است. فرد با حضور و رشد یافتن در جمع، علاوه بر هویت فردی، دارای منزلت اجتماعی و روابط مشخصی با دیگران می‌شود. با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شوند، هویت جمعی می‌یابد و با آن‌ها دارای تاریخ مشترک می‌شود (نوذری، ۱۳۸۳: ۵۴).

۵-۷-۱ فعالیت داوطلبانه و مشارکت اجتماعی:

مشارکت اجتماعی، حدّ والای داشتن تعاملات اجتماعی است که در آن افراد با داشتن حس تعلق به اجتماع، یکدیگر را در هدف و سرنوشت خویش سهیم می‌دانند و لذا برای انسجام و پایداری اجتماع تلاش می‌کنند (توسلی، ۱۳۶۲: ۸۴).

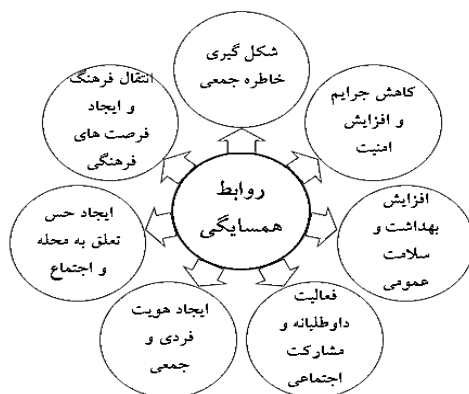
۶-۷-۱ افزایش بهداشت و سلامت عمومی:

سازمان جهانی بهداشت، ارتقای سلامت را دربرگیرنده آسایش روانی و جسمانی و رفاه اجتماعی به‌منظور تحقق توانایی‌های فرد، به‌نحوی که فرد بتواند با فشارهای روانی، اجتماعی و اقتصادی متعارف زندگی روبه‌رو شود و با بهره‌وری، به‌گونه‌ای مؤثر به کار و

کنش اجتماعی بپردازد، تلقی می‌کند. این هدف کلان، بدون ارتقای ابعاد زندگی و روابط اجتماعی و همسایگی در شهر، به‌طور مطلوب محقق نمی‌شود (صادقیان، ۱۳۸۳: ۱).

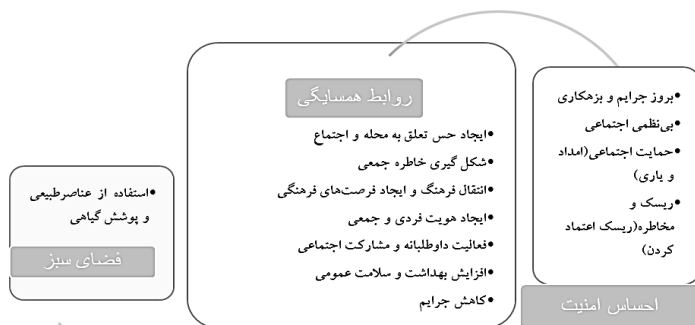
۷-۷-۱ کاهش جرائم و افزایش حس امنیت:

امنیت مطلوب در محله‌های مختلف، بدون مشارکت مؤثر شهروندان و همکاری آن‌ها با نهادهای مسئول، به‌طور شایسته تأمین نمی‌شود. روابط اجتماعی پیوسته میان همسایگان و ساکنان محله، نوعی نظارت مؤثر بر انواع فعالیت‌ها را فراهم می‌آورد. در شکل ۳، آثار مثبت توسعه روابط همسایگی در بسترهای طبیعی و فضاهای سبز به‌طور خلاصه نشان داده شده است.



شکل ۳: آثار مثبت توسعه روابط همسایگی در بسترهای طبیعی و فضاهای سبز (صادقیان، ۱۳۸۳؛ توسلی، ۱۳۶۲؛

نوذری، ۱۳۸۳؛ مطلبی، ۱۳۸۳؛ میر مقتدایی، ۱۳۸۸)



شکل ۴: تأثیر فضای سبز بر روابط همسایگی و احساس امنیت همراه با ذکر مولفه‌ها (بهزادفر و قاضی زاده، ۱۳۹۰)

در تحقیق حاضر از مؤلفه‌ها و شاخص‌های جدول ۱ برای بررسی روابط همسایگی و میزان امنیت (آمار جرم و جنایت) بهره گرفته می‌شود.

جدول ۱ مؤلفه‌ها و شاخص‌های روابط همسایگی و میزان امنیت: (نگارنده)

زندگی در مجتمع‌های زیستی																							
عرصه عمومی										عرصه نیمه عمومی					عرصه خصوصی								
حیات و فضای سبز (طبیعت)																							
میلان (جان لنگ - ویلیام وایت)					سرزندگی و نشاط (بحرینی)					دیدار (دادپور و اکتای)			مراسمات عمومی (تقی‌زاده)		محل بازی (استفان کار، پان گل)		ورزش و تفریح (استفان کار - پان گل)		عناصر طبیعی و پوشش گیاهی (استفان کار، پورتا رنه، سوزان و هنری لتارد)				
(آبرامز و بولمر، ۱۹۹۸) Neighborhood Relationships روابط همسایگی)																							
مبارها	هنجارها				اعتماد اجتماعی		شبکه‌های همسایگی			ارزش‌ها					طبیعت و مشارکت اجتماعی								
	Norms				social trust		Neighborhood networks			Values					social participation								
کد	شاخص‌ها	همکاری همسایه‌ها	احساس تکلیف در برابر همسایه	احساس اثرگذاری و کارایی	وساطت اجتماعی	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها	ایمنی و حس امنیت	اعتماد همسایگان	شناخت همسایه‌ها	ارتباطات فکری	همکاری همسایه‌ها	گپ‌وگفتن (صحبت تلفنی، تعاملات)	پوشش اجتماعی	رفتار داوطلبانه	حمایت عاطفی	حمایت مالی	مشارکت در امور محلی	مشارکت در مراسمات	مشارکت عمومی	مشارکت مالی	حضور در طبیعت		
شاخص‌های سنجش احساس امنیت (اریک فرم، مازلو، فالکنر)																							
نزاع و درگیری					دزدی					مفاسد اجتماعی (فحشا - خرابکاری - باج‌گیری - رشوه - کلاهبرداری)					تهدید و اخاذی					تجاوز به عفت و آزار جنسی			

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی درباره نقش طبیعت، فضای سبز، روابط همسایگی و ارتباطات اجتماعی در فضاهای معماری انجام شده است. از جمله پژوهش‌ها در زمینه روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی می‌توان به تحقیق گلابی و زارع‌زاده اردشیر اشاره کرد. بر این اساس فعالیت‌های انسانی در محیط، نظامی پیچیده و ابعاد مختلف دارد که رویکردهای نظری متعددی آن را بررسی کرده‌اند. این رویکردها، به‌رغم تفاوت‌ها، در حوزه‌هایی مانند کیفیت زندگی و احساس امنیت در محیط‌های چندفرهنگی دارای اشتراک هستند. به باور پژوهشگران، برقراری تعامل اجتماعی در فضای سبز شهرک‌ها، به‌عنوان

یکی از نیازهای انسانی، ضرورتی انکارناپذیر است؛ زیرا بی‌توجهی به این نیاز می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی برای ساکنان شود (گلابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹).

میرمقتدایی در «بررسی معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر» به این نتیجه رسیده است که این معیارها در دو دسته اصلی: «امکان ثبت و انتقال خاطره» و «تاریخ شهر» جای می‌گیرند. معیارهای فرعی مؤثر بر این فرایند که به ساختار اجتماعی و سیاسی شهر مربوط می‌شوند، شامل؛ ثبات و تداوم سکونت، حس تعلق به مکان و جایگاه شهر در ادبیات و سینما و معیارهای فردی مرتبط به ساختار فضایی و کالبدی شهر، شامل حفظ بناهای تاریخی و محلات، احداث یادمان‌های شهری و حفظ نام‌ها هستند (میرمقتدایی، ۱۳۸۸: ۳۶).

مدیری در پژوهش «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری» نتیجه گرفته که تأثیر جرم بر احساس امنیت، بیشتر از تأثیر خشونت است. درعین حال، نبود رابطه مستقیم میان احساس امنیت با میزان جرم و خشونت، نشان‌گر این واقعیت است که وجود جرم و خشونت مانع حضور شهروندان در محیط‌های عمومی شده و محدودیت‌هایی در دسترسی به فضاهای شهری ایجاد می‌کند؛ مسئله‌ای که به زوال عرصه عمومی می‌انجامد. در نتیجه، فضاهایی که دارای تنوع عملکردی، حضور فعال مردم و دسترسی‌پذیری کالبدی بالا هستند، از احساس امنیت بیشتری برخوردارند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در مرکز شهر تهران، احساس ناامنی لزوماً جریان غالب نیست، اما چالش‌هایی همچون نبود حضور گسترده مردم و محدودیت در دسترسی، عرصه عمومی را با تهدید مواجه کرده‌اند (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۵).

در پژوهش «حسن‌رضایت از فضای باز مسکونی» نتیجه‌گیری شده که؛ فضای میان ساختمان‌های مسکونی، بستر پیوند ساکنان با طبیعت و محل گذران اوقات فراغت در نزدیکی محل سکونت هستند. از این‌رو، بازنگری در طراحی فضای باز مجتمع‌های زیستی به‌عنوان حیاطی مشترک و جمعی در بسیاری از انواع امروزی مسکن، ضروری تلقی می‌شود. برابر این مطالعه؛ رضایت از محل سکونت تابع ابعاد گوناگون زندگی انسانی بوده

و از تلفیق برداشت‌های روزمره شکل می‌گیرد. طبق یافته‌ها، در کنار فضای سبز، ابعاد مدیریتی و اجتماعی نیز از عوامل مؤثر بر رضایت ساکنان به‌شمار می‌روند؛ درحالی‌که ویژگی‌های صرفاً عملکردی، کمترین تأثیر را در این ارزیابی داشتند. این تفاوت می‌تواند ناشی از نوع نگاه متفاوت افراد به استفاده از فضا باشد (بهزادفر و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۲).

جدول ۲: مروری بر پیشینه تحقیقات در یک نگاه (نگارنده)

شماره	عنوان	نتایج	نویسنده	سال
۱	روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی (نمونه موردی: مطالعه شهروندان تبریز)	نظریات متنوعی مبنی بر امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم اجتماعی ارائه گشته است که همگی معتقدند وابستگی، عمق روابط و محل سکونت بر امنیت افراد مؤثر است، هرچه عمق روابط بین ساکنین قوی باشد به همان میزان یکپارچگی در میان آنها افزایش یافته که همین امر سبب بالارفتن احساس امنیت در میان ساکنین می‌شود.	فاطمه گلایی - لایلا زارع‌زاده اردشیر	۱۳۹۲
۲	معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (مطالعه موردی: تهران)	معیارهای غیر کالبدی امنیت اجتماعی، حفظ نام‌ها، برگزاری مراسم، وقوع رویدادهای تاریخی و جایگاه شهر (در ادبیات و سینما) بیشتر از عوامل کالبدی (وجود فضاهای عمومی و حفظ بناها) در شکل‌گیری و ثبت خاطرات جمعی مؤثرند.	مهتا میر مقتدایی	۱۳۸۸
۳	جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای شهر	جرم بیشتر از خشونت می‌تواند مانع حضور مردم در فضای شهری و کاهش احساس امنیت گردد.	آتوسا مدیری	۱۳۸۵
۴	حس رضایت از فضای باز مسکونی (نمونه موردی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران)	به‌منظور خلق فضاهای کارآمدتر و ارتقای سطح کیفی فضاهای باز مسکونی الگوی چهاربعدی فضایی، اجتماعی، مدیریتی و عملکردی به‌عنوان یکی از مؤثرترین معیارها جهت برآورد رضایت افراد تعیین گشت.	مصطفی بهزادفر - سیده ندا قاضی‌زاده	۱۳۹۰

نتیجه‌گیری پیشینه تحقیق

باتوجه به مطالعات حوزه فضای سبز، روابط همسایگی و امنیت در فضاهای شهری، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که انسان همواره در پی تأمین امنیت، به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی خود، بوده است. احساس امنیت نیز یکی از شاخص‌های کلیدی کیفیت

زندگی شهری محسوب می‌شود که در دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه پژوهشگران و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است.

ایجاد بسترهایی مناسب، نظیر پارک‌های شهری، زمینه‌ساز برقراری ارتباط اجتماعی و افزایش تعاملات میان ساکنان می‌شود؛ امری که شناخت متقابل افراد را افزایش داده و در نتیجه، منجر به کاهش میزان خشونت و ناامنی در محله‌ها می‌گردد. براین اساس می‌توان گفت میان شناخت اجتماعی و احساس امنیت در محیط‌های شهری، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

نکته مشترک مطرح در بسیاری از تحقیقات پیشین، آن است که فضاهای شهری به‌عنوان بخشی از محیط انسان‌ساخت، از طریق عناصر کالبدی و طراحی مناسب نظیر روابط همسایگی، فضای سبز، مبلمان شهری و نورپردازی شبانه، نقش به‌سزایی در ایجاد یا تقویت حس امنیت دارند. در مقابل، فقدان توجه به ایمنی زیرساخت‌های شهری، می‌تواند نه تنها امنیت شهروندان بلکه سطح رضایتمندی آن‌ها را نیز به‌طور جدی تهدید کند.

در نهایت باید خاطرنشان ساخت که گرچه سکونت در ارتفاع و جدایی از سطح زمین، پاسخی به مسئله کمبود زمین در کلان‌شهرها به‌شمار می‌رود، اما همین گسست از طبیعت و زمین، پیامدهایی نظیر کاهش احساس تعلق و امنیت روانی را در پی دارد. باین حال، این جدایی امری پایدار نبوده و تجربه نشان داده است که انسان شهرنشین، به‌ویژه ساکن برج‌ها، در تلاش برای بازگشت به ارتباط ازدست‌رفته‌اش با طبیعت است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر برحسب هدف از نوع تحقیقات بنیادی - نظری و ماهیت مطالعاتی آن توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و پیمایشی صورت گرفته و ابزار سنجش تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته و مشاهدات میدانی بوده که به‌منظور ارتباط مستقیم و رویاروی محقق با پدیده‌های مورد مطالعه انجام شده است.

در پرسش‌نامه، متغیرهای طبیعت و فضای سبز محل زندگی ساکنان و روابط همسایگی ساکنان مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین به‌منظور سنجش وضعیت حس امنیت - که به‌خودی‌خود قابل تعریف نیست و بر مبنای بود و نبود خطر قابلیت تعریف می‌یابد - بررسی شده است. شاخص‌های آن (موضوع اصلی این پژوهش) شامل عوامل محیطی و روانی، جذابیت محیط، آشنا بودن فضا و همچنین ادراک جمعیت و نظارت اجتماعی است (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲). جامعه آماری، تمام ساکنان محله‌های مورد مطالعه در چهار مجتمع زیستی اکباتان تهران، پردیسان قم، زیتون اصفهان و مهرگان قزوین است. علت انتخاب این چهار مجتمع آن بوده که با استفاده از تکنیک دلفی و زیر نظر متخصصان انتخاب شده‌اند. این چهار مجتمع دارای اقلیم تقریباً مشابه و ساختار منفصل با کاربری یکسان مسکونی بوده‌اند و همچنین همه آن‌ها در دوره‌های مختلف، کاربری مجتمع زیستی داشته‌اند؛ با این تفاوت که دو مورد مملو از طبیعت و دو مورد فاقد طبیعت هستند. طراحان دو شهرک اکباتان و زیتون توانسته‌اند با طراحی خلاقانه، ارتباط انسانی بین مردم یک بلوک با بلوک‌های مجاور را تقویت کنند، این درحالی‌است که در شهرک‌های مهرگان و پردیسان این اصل به‌خوبی رعایت نشده و سبب ضعف ارتباطات انسانی شده است. استفاده از فضای سبز که موجب خنک شدن هوا و تهویه مطبوع در فصل گرم و باعث جلوگیری از ورود باد سرد به داخل بنا در فصل سرد می‌شود، در دو شهرک اکباتان و زیتون به‌خوبی مشهود است، درحالی‌که در دو شهرک مهرگان و پردیسان متأسفانه هیچ‌گونه توجهی نسبت به این موضوع نشده است. وجود امکانات رفاهی، زیرساخت‌های فرهنگی، ورزشی، انتظامی و تجاری از جمله نقاط قوت دو شهرک اکباتان و زیتون است که از سویی دیگر سبب سهولت در رفت و آمد ساکنان شده و دیگر نیازی به مراجعه به خارج از شهرک نیست. مورد آخر درخصوص رفت و آمد ساکنین به شهر است؛ ساکنان دو شهرک مهرگان و پردیسان (به‌ویژه مهرگان) به‌دلیل فاصله‌ای که تا شهر دارند با مشکل عظیمی مواجه می‌شوند که همین امر می‌تواند سلامت فیزیکی انسان را به خطر اندازد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۶۰ نفر به‌دست آمد که به نسبت جمعیت هر محله

مورد بررسی، از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. پرسش‌نامه‌ها به نسبت حجم (PPS) توزیع و تکمیل شدند. پروژه مسکن مهر از بزرگ‌ترین طرح‌های ملی مسکن است که به علت گستردگی، نو بودن و همچنین ساخت آنها در مناطق مختلف، مورد تجزیه و تحلیل محققان قرار گرفته است. در جدول ۳، اطلاعات مربوط به محدوده‌های مورد مطالعه با جمعیت و تعداد پرسش‌نامه‌های مورد نیاز آمده است.

جدول ۱: جمعیت و تعداد پرسش‌نامه مورد نیاز در محدوده مورد مطالعه

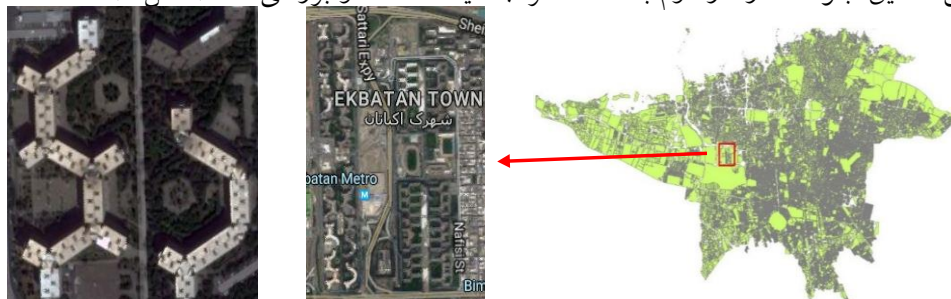
مجموع زیستی	محدوده مورد مطالعه	تعداد جمعیت	تعداد پرسش‌نامه
اکباتان	فاز ۲ - بلوک ۱	۱۳۲۱	۸۳
پردیسان	محل پنجم مسکن مهر	۱۶۶۶	۱۰۴
زیتون	زیتون	۱۷۵۰	۱۰۹
مهرگان	محل (مجمع) سرداران	۱۰۲۰	۶۴
مجموع		۵۷۵۷	۳۶۰

روایی و پایایی پرسش‌نامه نیز مورد آزمون قرار گرفت. برای سنجش پایایی، پرسش‌نامه‌ها توسط ۳۶۰ نفر تکمیل شد و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، مقدار پایایی کل برابر با ۰.۸۷ حاصل گردید. همچنین روایی پرسش‌نامه به صورت روش اعتبار صوری سنجیده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از آزمون میانگین جامعه، رگرسیون خطی ساده و آزمون همبستگی استفاده شده است.

۱-۲ محدوده مطالعاتی: محدوده مطالعاتی پژوهش، مجتمع‌های زیستی اکباتان در تهران، پردیسان در قم، زیتون در اصفهان و مهرگان در قزوین است که به معرفی این چهار مجتمع سکونتگاهی پرداخته می‌شود.

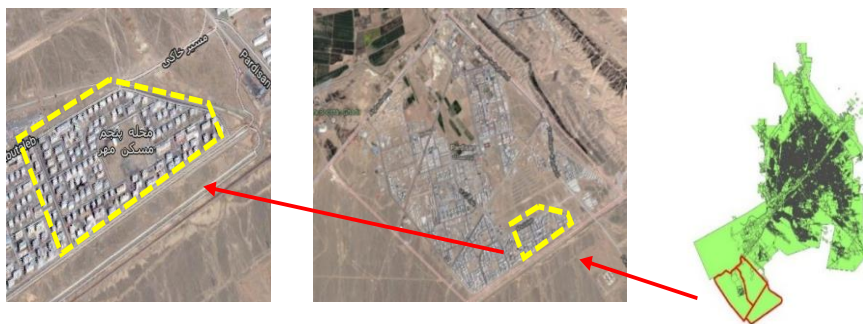
مجتمع زیستی اکباتان تهران: در ناحیه ۶ منطقه ۵ شهرداری تهران، یکی از فضاهای مسکونی قرار دارد که گروهی با پایگاه اقتصادی متوسط را در خود جای داده است. اکباتان به عنوان یکی از نخستین تجربیات در زمینه ساخت مجتمع‌های بزرگ مقیاس برای اسکان طبقه متوسط شهری و مصداق بارز سیاست بلندمرتبه‌سازی و استفاده بهینه از زمین می‌باشد. این مجتمع از معدود محلات شهری در تهران است که ساختمان‌های آن نمای

یکسانی دارند. این ساختمان‌های یکسان، مساحت زیادی را اشغال کرده و به‌نوعی در میان فضای سبز نیز محصور هستند (بهزادفر و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰). این مجتمع ۳ فاز دارد که در این تحقیق، بلوک ۱ از فاز دوم با ۱۳۲۱ نفر جمعیت مطالعه و بررسی شد (شکل ۵).



شکل ۵: محدوده جغرافیایی مجتمع زیستی اکباتان تهران (نگارنده)

مسکن مهر پردیسان قم: پردیسان نام منطقه هشتم شهرداری قم است که در جنوب غربی شهر قم قرار دارد و حدود ۱۱ کیلومتر تا مرکز شهر قم فاصله دارد (شکل ۶). این منطقه در سال ۱۳۷۷ توسط وزارت مسکن و شهرسازی تأسیس و در سال ۱۳۹۰ به یکی از مناطق شهرداری قم تبدیل گردید. این منطقه در سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت داشته و به علت وجود مسکن مهر قم در این ناحیه، به‌سرعت بر جمعیت آن افزوده می‌شود (وبسایت شهرداری قم، ۱۳۹۵). در این تحقیق، محله پنجم مسکن مهر با ۱۶۶۶ نفر جمعیت بررسی شد (شکل ۶).



شکل ۶: محدوده جغرافیایی مسکن مهر پردیسان قم (نگارنده)

مجتمع زیستی زیتون اصفهان: مجتمع زیستی زیتون در شهر اصفهان (خیابان رزمندگان) طراحی و اجرا شده است (شکل ۷). آغاز طراحی در سال ۱۳۷۸ و شروع ساخت در سال ۱۳۸۰ می‌باشد. طراحی و معماری این بنا توسط مسعود محمدی انجام شده است. مجتمع زیستی زیتون اصفهان یکی از مشهورترین مجتمعات سکونتی اصفهان و از نظر معماری، ساختمان، نوع سبک معماری و نمای ساختمان نیز دارای اهمیت زیادی است. این مجتمع، گنجایش ۵۰۰ خانواده را دارد و از مجتمعات مسکونی بسیار زیبا و شیک به شمار می‌آید.



شکل ۷: محدوده جغرافیایی مجتمع زیستی زیتون اصفهان (نگارنده)



شکل ۸: محدوده جغرافیایی مسکن مهر مهرگان قزوین (نگارنده)

مسکن مهر مهرگان قزوین: مسکن مهر مهرگان در ۱۸ کیلومتری جنوب شرق استان قزوین و در مجاورت آزادراه کرج - قزوین قرار دارد (شکل ۸). هدف از ساخت این مجتمع زیستی در قالب طرح مسکن مهر، کاهش بار فشار جمعیت از قزوین و سکونت کارمندان و کارکنان شهرها و شهرک‌های اطراف بوده است. البته چشم‌اندازها و طرح‌های رؤیایی چون «بزرگ‌ترین شهر استان بعد از قزوین»، «احداث مترو در آن و اتصال به خط

متروی پایتخت» و «ساخت بزرگ‌ترین پارک‌شهری قزوین به انضمام دریاچه مصنوعی» از دیگر اهداف احداث این مجتمع زیستی بوده است که به سرانجام نرسیده‌اند. در سال ۱۳۹۵، جمعیت این مجتمع زیستی برابر با ۴۲ هزار نفر بوده است. در این تحقیق، محله سرداران با ۱۰۲۰ نفر جمعیت مطالعه و بررسی شد.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با بررسی‌های کیفی (مشاهدات نگارنده) و محاسبات کمی (محاسبه سرانه)، وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در محدوده‌های مورد مطالعه ارزیابی گردیده و در جدول ۴ آمده است و همچنین، به منظور بررسی میزان حضور طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع‌های زیستی و بین ساکنان، نتایج حاصل از ۳۶۰ پرسش‌نامه در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۲: سرانه فضاهای سبز و طبیعی در مجتمع‌های زیستی (محاسبات و مشاهدات نگارنده)

وضعیت کیفی فضاهای سبز	سرانه فضای سبز (مترمربع)	میزان فضاهای سبز و طبیعی (مترمربع)	جمعیت	مجتمع زیستی
	۲۰.۸	۲۷۴۵۱	۱۳۲۱	اکباتان
	۱.۵	۲۵۳۴	۱۶۶۶	پردیسان
	۴.۸	۸۴۱۱	۱۷۵۰	زیتون
	۱.۴	۱۴۰۰	۱۰۲۰	مهرگان

جدول ۳: میزان حضور طبیعت در مجتمع‌های زیستی (نگارنده برگرفته از اسناد استخراج شده از نظر پاسخگویان)

متغیرها	مشخصات توصیفی	اکباتان	پردیسان	زیتون	مهرگان
حضور طبیعت در مجتمع	میانگین*	۳.۸۱	۲.۶۱	۳.۷۷	۲.۲۶
	انحراف استاندارد	۰.۸۰۴	۰.۵۸۴	۰.۶۷۴	۰.۷۵۳
	واریانس	۰.۶۶	۰.۵۲	۰.۵۴	۰.۶۴

باتوجه به اینکه سؤالات پرسش‌نامه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از خیلی زیاد با امتیاز ۵ تا خیلی کم با امتیاز ۱) طراحی شده بود، میانگین پاسخ‌گویی عدد ۳ در نظر گرفته شد. بدین معنی که امتیاز بالاتر از عدد ۳ نشان‌دهنده وضعیت متوسط به بالا و امتیاز کمتر از عدد ۳ نمایانگر وضعیت پایین‌تر از حد متوسط است.

براساس یافته‌ها، سرانه فضاهای طبیعی و سبز و میانگین حضور طبیعت در مجتمع‌های زیستی مورد مطالعه، ارقام متفاوتی را نشان می‌دهد. بیشترین میزان حضور طبیعت و

فضاهای سبز در مجتمع اکباتان تهران دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که میانگین به‌دست‌آمده برای این مجتمع برابر با ۳۸۱ بوده است. مقدار سرانه فضای سبز در این مجتمع بیش از سه مجتمع دیگر و برابر با ۲۰۸ مترمربع برای هر نفر محاسبه شده است.

آپارتمان‌های اکباتان نه تنها بر درختان رنجور خیابان‌های کنونی باز نمی‌شوند، بلکه به چمن‌ها، زمین بازی و درخت‌کاری‌های وسیع دسترسی دارند. یکی از مهم‌ترین دلایل جذابیت بصری اکباتان، طبیعت و فضای سبز آن است؛ فضای سبز موجود در دور بلوک‌ها و میان بلوک‌های درونی آن؛ فضای سبز گسترده‌ای با درختان بلند و فراوان که نمای ساختمان‌های مجتمع زیستی اکباتان را در پشت خود پنهان می‌کنند. در اکباتان، مسکن‌ها در ارتفاع گرد هم آمده‌اند؛ باینکه تمرکز آن‌ها تراکم مسکونی بسیار بالایی را فراهم می‌آورد، ولی این مجموعه‌ها تنها بخش کوچکی از زمین را اشغال کرده‌اند ولی بسیاری از سطح منطقه به فضای سبز تعلق دارد. در مجموع، ساکنان به راحتی می‌توانند طبیعت و فضای سبز محل زندگی را حس کنند و از این احساس لذت ببرند، چراکه طبیعت وارد بطن زندگی ساکنان مجتمع زیستی اکباتان شده، با آنان پیوند یافته و باعث ایجاد سرزندگی، نشاط، روابط و تعاملات اجتماعی و همسایگی در بین ساکنان گردیده است.

پس از اکباتان، در مجتمع زیستی زیتون، سرانه فضاهای طبیعی و سبز ۴۸ مترمربع برای هر نفر و میانگین پاسخ به حضور طبیعت در مجتمع برابر با ۳۰۷۷ است که نشان می‌دهد وضعیت حضور طبیعت و فضاهای سبز در آن بالاتر از متوسط است. با توجه به اینکه فضاهای سبز مجتمع زیتون در لابه‌لای بلوک‌ها پراکنده شده‌اند. نظارت بر آن‌ها از داخل ساختمان‌ها به سهولت امکان‌پذیر است، به‌نوعی امنیت بالایی دارد و بانوان به راحتی در این فضاها مشغول استراحت و گفت‌وگو با یکدیگر هستند.



شکل ۹: وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع زیستی اکباتان (نگارنده)

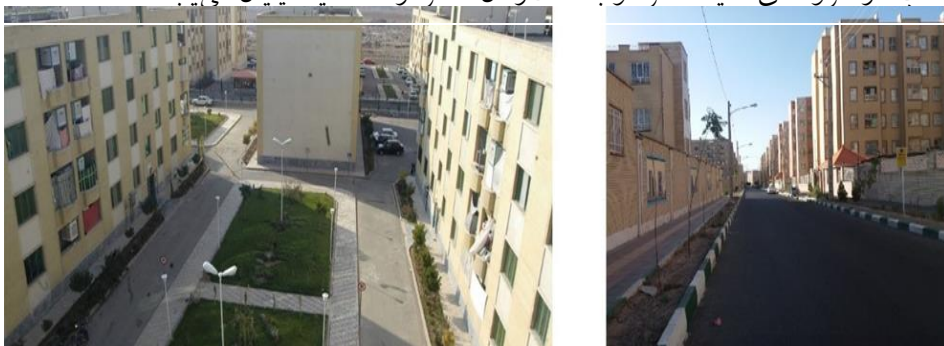
وجود عناصر متنوع و جذابیت فضاهای سبز و طبیعی موجود، کودکان را به راحتی تا چندین ساعت مشغول خود نگه می‌دارد که همین عامل، اثری مثبت در افزایش روابط همسایگی بین ساکنان داشته است. والدین آن‌ها به منظور تحت نظر داشتن فرزندان خود، معمولاً در گروه‌های ۳ تا ۶ نفره به گفت‌وگو و گاهی انجام بازی‌هایی مثل شطرنج می‌پردازند و جو صمیمی و دوستانه‌ای بر این گروه‌های همسایگی حاکم است.



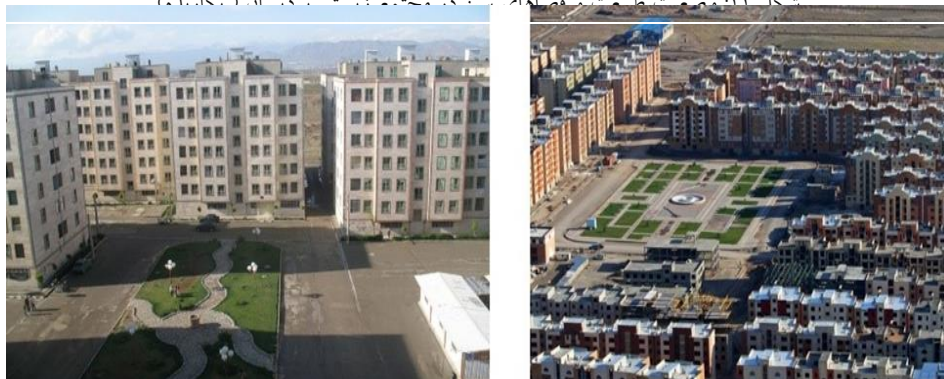
شکل ۱۰: وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع زیستی زیتون (نگارنده)

در ارتباط با دو مجتمع پردیسان و مهرگان وضعیت متفاوتی مشاهده می‌شود. سرانه فضای سبز در این دو مجتمع به ترتیب برابر با ۱.۵ و ۱.۴ مترمربع و میانگین‌های حضور طبیعت نیز به ترتیب ۲.۶۱ و ۲.۲۶ است که هر دو عدد زیر حد متوسط قرار دارند و نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب حضور طبیعت و فضاهای سبز، به‌ویژه در مهرگان، است. سرانه فضای سبز در این دو مجتمع بسیار پایین بوده و فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد. مقدار اندک فضاهای سبز و کیفیت نامطلوب فضاهای موجود، هیچ‌گونه رغبت و جذابیتی برای حضور ساکنان، به‌خصوص بانوان و کودکان، در این فضاها ایجاد نمی‌کند. در نتیجه، میزان روابط همسایگی به شدت کاهش یافته و اگر تعاملاتی بین همسایگان یا ساکنان باشد، عمدتاً محصور در داخل خانه‌ها است. همچنین، با کمبود امکانات ورزشی و

تفریحی در فضاهای سبز و طبیعی مهرگان و پردیسان، جوانان نیز تمایل چندانی به حضور در این فضاها ندارند؛ بنابراین، فضای سبز و طبیعی اندک موجود در این دو مجتمع به‌هیچ‌وجه به‌عنوان مرکزی برای تجمع خانواده‌ها و همسایگان شناخته نمی‌شوند. البته براساس مشاهدات میدانی، بعضاً تجمعاتی در این فضاها مشاهده می‌شود، اما این تجمعات اغلب در گروه‌های ۲ یا ۳ نفره و با مدت‌زمان کمتر از ۳۰ دقیقه پایان می‌یابند.



شکل ۱۱: وضعیت تجمعات در فضاهای سبز در مجتمع‌های زیستی مهرگان (نگارنده)



شکل ۱۲: وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع‌های زیستی مهرگان (نگارنده)

در ادامه به‌منظور سنجش وضعیت روابط همسایگی در مجتمع‌های مورد مطالعه، نتایج

در جدول ۶ نشان داده شده است.

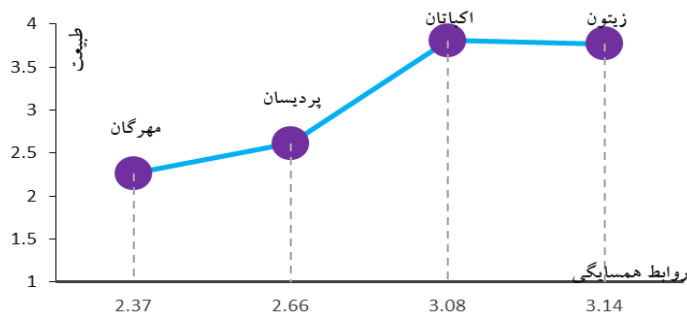
جدول ۶: میزان روابط همسایگی بین ساکنان

مهرگان	زیتون	پردیسان	اکباتان	مشخصات توصیفی	متغیر
۲.۳۷	۳.۱۴	۲.۶۶	۳.۰۸	میانگین*	میزان روابط همسایگی
۰.۷۹۱	۰.۷۴۵	۰.۵۷۸	۰.۹۰۲	انحراف استاندارد	
۰.۷۱	۰.۶۷	۰.۷۲	۰.۷۵	واریانس	

در ارتباط با میزان روابط همسایگی، تفاوت بین دو مجتمع زیستی اکباتان و زیتون با پردیسان و مهرگان مشهود است. میانگین امتیازات به دست آمده برای مجتمع زیستی زیتون برابر با ۳.۱۴ و اکباتان ۳.۰۸ بوده که وضعیت مطلوب تری نسبت به پردیسان با میانگین ۲.۶۶ و مهرگان با میانگین ۲.۳۷ نشان می دهد. با توجه به اینکه این پژوهش به بررسی نقش طبیعت در تعاملات همسایگی در مجتمع های زیستی می پردازد، کمبود فضای سبز در پردیسان و مهرگان از مهم ترین دلایل ضعف این تعاملات دو مجتمع است؛ زیرا وجود چنین فضایی می تواند بستری مناسب برای شکل گیری و تقویت روابط همسایگی شود.

برابر نمودار شکل ۱۳، مجتمع زیستی مهرگان از لحاظ وضعیت حضور و کیفیت طبیعت و فضای سبز و نیز روابط همسایگی بین ساکنان، در پایین ترین رتبه و پس از مهرگان، مجتمع زیستی پردیسان قرار دارد که با وجود وضعیت بهتر نسبت به مهرگان، امتیازات آن در هر دو حوزه طبیعت و تعاملات همسایگی پایین تر از حد متوسط است.

در میان دو مجتمع دیگر، اکباتان از نظر کمیت و کیفیت بهترین وضعیت فضای سبز را دارد؛ اما تعاملات همسایگی در مجتمع زیتون نسبت به سایر مجتمع ها مناسب تر ارزیابی شده است. امتیازات به دست آمده در مورد وضعیت فضاها ی طبیعی و تعاملات همسایگی در دو مجتمع اکباتان و زیتون، بالاتر از حد متوسط (عدد ۳ در طیف لیکرت) است.



شکل ۱۳: نمودار وضعیت طبیعت و روابط همسایگی در مجتمع های مورد مطالعه

برای بررسی تأثیر طبیعت و فضای سبز شهری بر تعاملات و روابط همسایگی، از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده و نتایج حاصل از این آزمون برای چهار مجتمع

زیستی در جدول شماره ۷ ارائه شده است. در این آزمون، حضور طبیعت و فضاهای سبز شهری به عنوان متغیر مستقل و روابط همسایگی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد.

جدول ۵: نتیجه رگرسیون ساده خطی بین متغیرهای طبیعت و روابط همسایگی

شرح	اکباتان	پردیسان	زیتون	مهرگان
رگرسیون	۰.۷۷۲	۰.۳۱۲	۰.۷۲۱	۰.۲۲۱
مجذور رگرسیون	۰.۵۷۴	۰.۲۲۴	۰.۵۲۳	۰.۱۴۷
سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

برابر نتایج آزمون رگرسیون؛ متغیر مستقل طبیعت و فضای سبز شهری تأثیر قابل توجهی بر روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در چهار مجتمع زیستی مورد مطالعه دارد. به طور مشخص، در مجتمع اکباتان، حضور طبیعت ۷۷٪ موثر و ۵۷٪ از واریانس روابط همسایگی را توضیح می‌دهد؛ در پردیسان این میزان تأثیرگذاری ۳۱٪ و پیش‌بینی واریانس ۲۲٪ است؛ در زیتون نیز طبیعت ۷۲٪ تأثیر داشته و ۵۲٪ واریانس را پیش‌بینی می‌کند؛ و در مهرگان، این اثر ۲۱٪ بوده و ۱۴٪ از واریانس را توضیح می‌دهد. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کمتر از ۰.۰۱ است، می‌توان معناداری آماری این نتایج را تأیید کرد.

بنابراین، می‌توان گفت که حضور طبیعت و فضای سبز شهری در مجتمع‌های زیستی نقش مؤثری در تقویت تعاملات اجتماعی و روابط همسایگی ایفا می‌کند. این تأثیر در مجتمع‌های اکباتان و زیتون بسیار مشهود است، زیرا میزان تأثیرگذاری در این دو مجتمع بیش از ۷۰٪ است. این موضوع نشان می‌دهد که وجود فضاهای طبیعی و سبز شهری، بستری مناسب برای شکل‌گیری و تقویت روابط میان همسایگان فراهم می‌آورد.

در مقابل، دو مجتمع پردیسان و مهرگان به دلیل کمبود یا نبود فضای طبیعی و سبز، از تعاملات همسایگی به میزان قابل توجهی محروم هستند. در طراحی و ساخت این دو مجتمع، رویکرد غالب بیشتر تک‌بعدی و صرفاً معطوف به تأمین محل سکونت، استراحت و جذب سرریز جمعیت، بدون توجه کافی به نقش کلیدی فضاهای سبز به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار اجتماعی و منظر شهری بوده است.

از سوی دیگر، فضای طبیعی و سبز در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه، معمولاً به عنوان فضای خصوصی یا نیمه‌خصوصی برای استفاده ساکنان تعریف شده و این فضاها فرصت

مناسبی را برای تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط بین ساکنان فراهم می‌کنند. نمونه بارز این ویژگی در مجتمع‌های اکباتان و زیتون به‌وضوح مشاهده می‌شود. در مجتمع‌های مهرگان و پردیسان، این فضاها، اگرچه به‌ظاهر عمومی تعریف شده‌اند، اما جذابیت و کیفیت لازم برای ایجاد تعامل اجتماعی مشابه را ندارند و روابط همسایگی به شکل قابل‌توجهی کاهش یافته است. از این‌رو، طراحی اصولی و هدفمند فضای طبیعی و سبز در مجتمع‌های مهرگان و پردیسان، به‌منظور ارتقای تعامل اجتماعی و همسایگی، امری اجتناب‌ناپذیر است. این فضاها باید به‌عنوان بخشی از عرصه‌های زندگی خصوصی و عمومی ساکنان تلقی شوند تا بتوانند نقش حیاتی در تقویت سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی در این مجتمع‌ها ایفا کنند.

۳-۱ بررسی رابطه تعاملات همسایگی با امنیت و ناهنجاری‌های اجتماعی:

بردباری اجتماعی یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع چندفرهنگی و چندقومیتی محسوب می‌شود. در مقابل، نابررداری اجتماعی نیز اهمیت بالایی دارد و افزایش آن در جامعه می‌تواند به بروز مسائل و مشکلات فراوانی منجر شود (زمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۶۳).

در این پژوهش، برای بررسی ارتباط میان دو متغیر روابط همسایگی و امنیت (میزان وقوع جرم و جنایت) در محدوده‌های مطالعاتی، از آزمون همبستگی استفاده شده است. داده‌های مربوط به روابط همسایگی از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و داده‌های میزان جرم و جنایت هر محدوده، از کلانتری‌های مربوط به همان مناطق به‌دست‌آمده است.

جدول ۸، میزان جرائم و جنایات گزارش شده در هر محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۶: تعداد وقوع جرم و جنایات در سال ۱۳۹۵ (برداشت از آمار جرم و جنایت کلانتری‌های اکباتان، پردیسان، منطقه ۸ اصفهان و مهرگان)

مجموع	تعداد وقوع جرم و جنایت ×					محدوده مطالعاتی
	تجاوز به عفت و آزار جنسی	تهدید و اخاذی	مفساد اجتماعی	دزدی	نزاع و درگیری	
۴۵	۶	۴	۱۵	۶	۱۴	اکباتان
۱۶۸	۲۵	۲۰	۱۹	۳۲	۷۲	پردیسان
۶۶	۱۱	۹	۱۷	۲	۲۷	زیتون
۱۴۸	۱۴	۱۷	۲۲	۲۸	۶۷	مهرگان

در محاسبه تعداد جرائم و جنایات مثبت، آمار کلاهبرداری، فروش مال غیر، جعل اسناد (به‌طورکلی جرائمی که ارتباط مستقیمی با نظارت محلی ندارند) لحاظ نشده است. داده‌های آماری جمع‌آوری شده به‌صورت خام بوده و از آنجا که تعداد جمعیت هر محدوده در میزان وقوع جرم و جنایت تأثیر دارد، برای مقایسه دقیق‌تر، ضریب جرم و جنایت با توجه به جمعیت هر محدوده مطالعاتی محاسبه و در محاسبه ضریب جرم و جنایت، هر یک از آمارهای جرم و جنایت هر محدوده بر جمعیت همان محدوده تقسیم شده است.

جدول ۷: ضریب جرم و جنایت با توجه به جمعیت هر محدوده مطالعاتی (منبع: نگارنده)

محدوده مطالعاتی	نزاع و درگیری	دزدی	مفاسد اجتماعی	تهدید و اخاذی	تجاوز به عنف و آزار جنسی	تعداد وقوع جرم و جنایت*	
						میزان جمعیت	ضریب نهایی جرم و جنایت
اکباتان	۰.۰۱۱	۰.۰۰۵	۰.۰۱۱	۰.۰۰۳	۰.۰۰۵	۱۳۲۱	۰.۰۳۴
پردیسان	۰.۰۴۳	۰.۰۱۹	۰.۰۱۱	۰.۰۱۲	۰.۰۱۵	۱۶۶۶	۰.۱۰۱
زیتون	۰.۰۱۵	۰.۰۰۱	۰.۰۱۰	۰.۰۰۵	۰.۰۰۶	۱۷۵۰	۰.۰۳۸
مهرگان	۰.۰۶۶	۰.۰۲۷	۰.۰۲۲	۰.۰۱۷	۰.۰۱۴	۱۰۲۰	۰.۱۴۵

با یکسان‌سازی (نرمال‌سازی) داده‌های مربوط به تعداد وقوع جرم و جنایت، مشخص شد بیشترین میزان جرم و جنایت در مجتمع مسکونی مهرگان و کمترین میزان در اکباتان رخ داده است؛ به‌طوری‌که ضریب جرم و جنایت در این دو مجتمع به‌ترتیب برابر با ۰.۱۴۵ و ۰.۰۳۴ به‌دست آمده است. این مقدار برای مجتمع زیستی زیتون برابر با ۰.۰۳۸ و برای مجتمع زیستی پردیسان برابر با ۰.۱۰۱ محاسبه گردید. در ادامه، با وارد کردن تمامی ضرایب به‌دست آمده در نرم‌افزار SPSS، بررسی شد که آیا بین تقویت و بازشناسی روابط همسایگی در مجتمع‌های زیستی با افزایش امنیت و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ برای این منظور از آزمون همبستگی استفاده شد که پیش از انجام آزمون همبستگی، باید ابتدا نرمال یا غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها را مشخص تا بتوان از آزمون مناسب استفاده کرد. در این تحقیق، توزیع نرمال داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف مورد سنجش قرار گرفت. در برون‌داد این آزمون، چنانچه مقدار سطح معنی‌داری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ باشد، توزیع داده‌ها نرمال نیست و لازم است از آزمون ناپارامتریک (همبستگی اسپیرمن) استفاده شود. اگر مقدار معنی‌داری بزرگ‌تر از

۰.۰۵ باشد، توزیع داده‌ها نرمال است و می‌توان از آزمون پارامتریک (همبستگی پیرسون) بهره برد. طبق نتایج جدول ۹، مقدار معنی‌داری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برابر با ۰.۲۲۱ بوده که بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است، بنابراین توزیع داده‌ها نرمال فرض شده و آزمون همبستگی پیرسون به کار گرفته شد. نتایج این آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۸: نتیجه آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

آزمون	سطح معنی‌داری (P)
کولموگروف - اسمیرنوف	۰.۲۲۱

جدول ۹: نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در بررسی رابطه تعاملات همسایگی و امنیت

فرضیه	محدوده‌های مطالعاتی	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری (sig)	نوع ارتباط
رابطه تعاملات همسایگی و ناهنجاری‌های	اکباتان	-۰.۸۴۷	۰.۰۰۰	منفی و معنی‌دار
	پردیسان	-۰.۷۱۵	۰.۰۰۲	منفی و معنی‌دار
	زیتون	-۰.۷۸۵	۰.۰۰۲	منفی و معنی‌دار
	مهرگان	-۰.۸۲۲	۰.۰۰۰	منفی و معنی‌دار
	مجموع	-۰.۷۵۵	۰.۰۰۱	منفی و معنی‌دار

باتوجه به نتایج جدول ۱۱، ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان روابط و تعاملات همسایگی با میزان ناهنجاری‌های اجتماعی، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر با -۰.۷۵۵ و نشان‌دهنده رابطه‌ای منفی (معکوس) و بسیار قوی بین این دو متغیر است؛ به‌گونه‌ای که هرچه میزان روابط و تعاملات همسایگی در مجتمع‌های زیستی افزایش یابد، میزان ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یافته و به تبع آن، سطح امنیت افزایش می‌یابد.

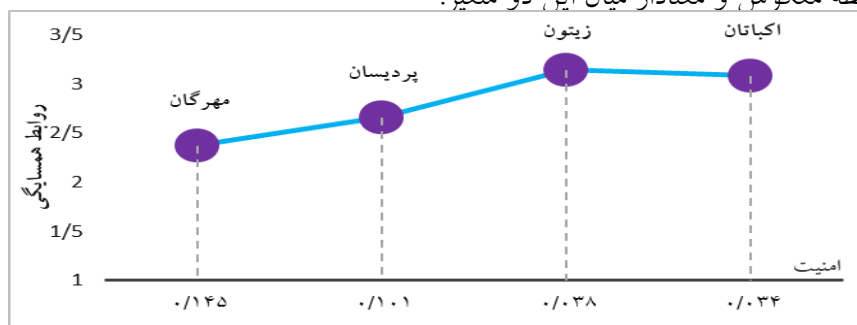
علاوه بر این، سطح معنی‌داری آزمون برابر با ۰.۰۰۱ و کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده که مؤید معناداری این رابطه است. بنابراین می‌توان گفت بین روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی با میزان جرم، جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی ارتباطی معنادار وجود دارد.

بررسی ضریب همبستگی در هر یک از مجتمع‌های زیستی نشان می‌دهد که این مقدار در اکباتان برابر با -۰.۸۴۷، پردیسان -۰.۷۱۵، زیتون -۰.۷۸۵ و مهرگان -۰.۸۸۲ است. این نتایج بیانگر آن است که در هر چهار مجتمع زیستی، روابط همسایگی و میزان جرم و

جنایت رابطه‌ای منفی و معنادار دارند؛ یعنی به همان اندازه که روابط همسایگی قوی‌تر بوده، ناهنجاری‌های اجتماعی کمتر به وقوع پیوسته است. نمونه‌ای از این وضعیت در مجتمع‌های اکباتان و زیتون مشاهده می‌شود.

در مقابل، آمارها نشان می‌دهد که ضریب جرم و جنایت در مجتمع‌های پردیسان و مهرگان بالا و هم‌زمان روابط همسایگی در این دو مجتمع، ضعیف که این امر تأییدی است

بر رابطه معکوس و معنادار میان این دو متغیر.



شکل ۱۴: وضعیت روابط همسایگی و امنیت در مجتمع‌های مورد مطالعه

برابر نمودار شکل ۱۴، در بررسی میزان روابط همسایگی و سطح امنیت بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی، مجتمع اکباتان از بیشترین میزان امنیت و مجتمع زیتون نیز از بهترین وضعیت برخوردار است. از نظر کیفیت روابط همسایگی ساکنان. در مقابل، وضعیت این دو متغیر در مجتمع‌های مهرگان و پردیسان نامناسب است؛ به گونه‌ای که مهرگان در هر دو شاخص، پایین‌ترین رتبه را دارد و پس از آن مجتمع پردیسان قرار می‌گیرد. در این دو مجتمع، هرچه میزان روابط همسایگی کاهش یافته است، سطح امنیت نیز به همان نسبت کاهش یافته که این امر نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین این دو متغیر است.

۴. نتیجه‌گیری

موضوع ایجاد امنیت و کاهش جرم در محیط‌های شهری، یکی از مباحث بسیار مهم و پرچالش در محافل علمی جهان است و اهمیت توجه به ارتباط این موضوع با طراحی شهری و فضاهای قابل دفاع شهری روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود.

اگر بتوان ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را در جامعه زنده نگه داشت و اجازه نداد فراموشی بر آن‌ها سایه بیفکند، می‌توان به امنیت واقعی دست یافت. مفهوم امنیت قدمتی فراتر از مفهوم اجتماع و جامعه دارد و تاکنون تعاریف گسترده‌ای در این زمینه ارائه شده است. انسان و محیط زندگی او، کلیتی جدایی‌ناپذیر از یکدیگرند. رشد سریع شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری که موجب افزایش تراکم و اختلاط انسان‌ها در فضای شهری شده، اهمیت موضوع امنیت را در مسائل شهری دوچندان کرده است.

در تاریخ شهرهای ایران، اندیشه‌های نظام‌مند و عمیقی درباره نقش طبیعت و فضای سبز شهری همراه با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از این فضاها وجود داشته است.

امروزه باتوجه به شرایط جدید زندگی شهری همچون سرعت بالا، شلوغی، آلودگی صوتی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و کاهش ارتباطات عاطفی نزدیک، ضرورت توجه به مکان‌ها و عناصری که در ایجاد تعاملات اجتماعی و ارتقای روابط همسایگی مؤثر هستند و بتوانند امنیت محله‌ها را افزایش دهند، بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

بر همین اساس، در این پژوهش با تکمیل ۳۶۰ پرسش‌نامه، سعی شد نقش طبیعت بر تعاملات همسایگی و ارتباط بین روابط همسایگی با میزان امنیت در چهار مجتمع زیستی اکباتان تهران (فاز ۲ - بلوک ۱)، پردیسان قم (محله پنجم مسکن مهر)، زیتون اصفهان و مهرگان قزوین (مجتمع سرداران) مورد ارزیابی قرار گیرد.

برابر نتایج؛ روابط همسایگی و حضور طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع‌های اکباتان و زیتون نسبت به مجتمع‌های پردیسان و مهرگان وضعیت بهتری دارد. میانگین پاسخگویی به کیفیت و میزان حضور طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع اکباتان با مقدار ۳٫۸۱، بالاترین امتیاز را دارد. پس از اکباتان، مجتمع زیتون با میانگین ۳٫۷۷ در جایگاه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده وضعیت مناسب طبیعت و فضاهای سبز در این دو مجتمع زیستی است.

در مقابل، میانگین‌های به‌دست‌آمده برای مجتمع‌های پردیسان و مهرگان به ترتیب برابر با ۲٫۶۱ و ۲٫۲۶ بوده که وضعیت نامطلوبی را در زمینه طبیعت و فضاهای سبز موجود در این دو مجتمع نشان می‌دهد.

در بررسی میزان روابط همسایگی، میانگین داده‌های پرسش‌نامه در مجتمع زیتون برابر با ۳.۱۴ و در اکباتان ۳.۰۸ به‌دست‌آمده که هر دو بالاتر از حد متوسط (عدد ۳) است. این مقدار در پردیسان ۲.۶۶ و در مهرگان ۲.۳۴ محاسبه شده که به‌طورکلی نشان می‌دهد در مجتمع‌های اکباتان و زیتون که حضور طبیعت به‌خوبی احساس می‌شود، روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در سطح بالاتری نسبت به پردیسان و مهرگان قرار دارند. البته لازم به ذکر است که نمی‌توان صرفاً طبیعت و فضاهای سبز را تنها عامل مؤثر در شکل‌گیری و تقویت روابط همسایگی تلقی نمود، چرا که عوامل متعددی در این زمینه دخیل هستند. این تحقیق صرفاً به بررسی نقش طبیعت در تعاملات همسایگی پرداخته است.

برای سنجش میزان تأثیر طبیعت و فضای سبز بر تعاملات همسایگی در مجتمع‌های زیستی، از آزمون رگرسیون ساده خطی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد طبیعت و فضاهای سبز شهری در اکباتان ۷۷٪ تأثیرگذار بوده و ۵۷٪ از واریانس روابط همسایگی را پیش‌بینی می‌کند؛ در پردیسان این تأثیر ۳۱٪ و پیش‌بینی واریانس ۲۲٪ است؛ در زیتون ۷۲٪ تأثیر و ۵۲٪ پیش‌بینی واریانس مشاهده شد؛ و در مهرگان نیز به ترتیب ۲۱٪ تأثیر و ۱۴٪ پیش‌بینی واریانس گزارش گردید. از آنجاکه سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰.۰۱ است، می‌توان نتیجه گرفت که حضور طبیعت و فضاهای سبز شهری در مجتمع‌های زیستی تأثیر مثبت و قابل‌توجهی بر تقویت تعاملات اجتماعی و روابط همسایگی دارد.

با مروری بر پیشینه تحقیق و بررسی موضوعات مرتبط، می‌توان گفت که فعالیت‌های انسانی در محیط‌زیست، شامل نظام پیچیده‌ای است که افراد با طبقات و عقاید مختلف را در بر می‌گیرد. برقراری تعامل اجتماعی در فضای سبز موجود در شهرک‌ها به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان مطرح است که باید به آن پاسخ داده شود، چرا که عدم پاسخگویی به این نیاز، می‌تواند مشکلات متعددی برای ساکنان آن مناطق ایجاد کند.

درواقع، در فضای سبز مجتمع‌های اکباتان و زیتون، روابط، تعاملات و دیدارهای اجتماعی بسیار گسترده شکل می‌گیرد، زیرا این فضاها در نزدیکی خانه‌ها قرار دارند و احتمال ملاقات با آشنایان و همسایگان و در نتیجه تقویت روابط همسایگی افزایش

می‌یابد. این موضوع همچنین باعث می‌شود گفت‌وگوها طولانی‌تر و عمیق‌تر شوند. در مقابل، طبیعت و فضای سبز مجتمع‌های پردیسان و مهرگان به‌هیچ‌عنوان پاسخگوی نیازهای اجتماعی ساکنان نیست و کمبود فضای سبز موجود، بستری مناسب برای ارتباطات و فعالیت‌های اجتماعی میان ساکنان و همسایگان فراهم نمی‌آورد.

از سوی دیگر، فضاهای مابین ساختمان‌های مسکونی، پیوندی حیاتی میان ساکنان و طبیعت ایجاد کرده و محل مناسبی برای گذران اوقات فراغت در فضای بیرونی نزدیک به خانه به شمار می‌رود؛ بنابراین، بازنگری و توجه ویژه به طراحی این فضاهای باز به‌عنوان حیاط مشترک و جمعی در بسیاری از انواع مجتمع‌های مسکونی امروزی، ضروری است.

کمبود فضای طبیعی مانند پارک، درختان، فواره، جویبار، گل‌کاری و سایر عناصر طبیعی در پردیسان و مهرگان، ناشی از فقدان چارچوب و رویکردی جامع در زمینه تأثیرات این فضاها بر افزایش روابط و تعاملات اجتماعی ساکنان است. این وضعیت باعث شده است که حس «مکان اجتماعی» در فضاهای بیرون از خانه برای ساکنان کاهش یابد و روابط اجتماعی اندک همسایگان بیشتر به فضای داخل خانه‌ها محدود شود.

از سوی دیگر، در بررسی ارتباط بین دو متغیر روابط همسایگی و میزان جرم و جنایت (امنیت) در محدوده‌های مطالعاتی، نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ای معنادار در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. ضریب همبستگی برابر با ۰.۷۵۵- است که نشان‌دهنده یک رابطه منفی (معکوس) و بسیار قوی است؛ به این معنا که هرچه میزان روابط و تعاملات همسایگی در مجتمع‌های زیستی افزایش یابد، میزان ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یافته و به تبع آن امنیت نیز ارتقا می‌یابد.

همچنین باتوجه به سطح معناداری ۰.۰۰۱ که کمتر از ۰.۰۵ است، نتیجه آزمون کاملاً تأیید می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت: افزایش روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های زیستی، منجر به کاهش میزان جرم، جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی شده و امنیت را در این فضاها ارتقا می‌دهد.

نهاد همسایگی، پس از خانواده، دومین نهاد مهمی است که افراد به واسطه آن، روابط اجتماعی خود را گسترش می‌دهند. هرگاه این روابط دارای انسجام کافی باشد، تأثیر مثبت بر تعاملات میان افراد خواهد داشت. ارتباط چهره‌به‌چهره میان افراد باعث می‌شود آنها یکدیگر را بهتر شناخته و از زندگی در محله و تعاملات اجتماعی رضایت بیشتری داشته باشند. در مقابل، در جوامعی که افراد ارتباط کافی با همسایگان خود ندارند، کاهش تعاملات اجتماعی موجب می‌شود شناخت متقابل کاهش یافته و در نتیجه افراد از یکدیگر فاصله بگیرند. این موضوع باعث کاهش رضایت از زندگی در محله و افزایش گرایش به فردگرایی می‌شود.

پیشنهادهای

باتوجه به یافته‌های وضعیت مجتمع‌های پردیسان و مهرگان نسبت به اکباتان و زیتون، پیشنهادها زیر به منظور ارتقای روابط همسایگی و بهبود امنیت در این دو مجتمع ارائه می‌شود:

- باتوجه به وجود اراضی خالی فراوان در مجتمع‌های پردیسان و مهرگان، تخصیص این اراضی به فضای سبز و طبیعی می‌تواند به عنوان بستری مناسب برای حضور و تعاملات اجتماعی همسایگان و در نتیجه افزایش امنیت ساکنان مورد استفاده قرار گیرد.
- استفاده از عناصر طبیعی مانند آبشار، فواره، حوضچه‌های آب، درختان و گل‌های متنوع همراه با نورپردازی مناسب در شب، به منظور افزایش جذابیت محیطی و تشویق ساکنان به حضور در فضاهای سبز.
- جانمایی نیمکت‌ها، آلاچیق‌ها و سایه‌بان‌های مناسب محیط و همچنین ایجاد فضایی جهت تجمع و استراحت ساکنان به‌ویژه بانوان و خانواده‌ها، در فضای سبز و طبیعی موجود.
- افزایش امکانات جذب‌کننده جمعیت در فضای سبز مانند تجهیزات ورزشی، پارک کودکان، وسایل سرگرمی و بازی و سایر امکانات رفاهی.

فهرست منابع و مآخذ الف. منابع فارسی

- احمدآبادی، زهره؛ صالحی، مریم و احمدآبادی، علی (۱۳۸۷). «*رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران*». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۷، ۲۷۵-۲۵۳.
<https://www.sid.ir/paper/56717/fa>
- باباپور، هومن (۱۳۷۸). «*بررسی راه‌های نگهداشت و توسعه باغ‌ها و فضاهای سبز شهری*». مجله شهرداری‌ها، سال ۱، شماره ۵.
- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۸۱). «*مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، محیط‌زیست*». تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. <https://www.fadakbook.ir/>
- بهزادفر، مصطفی و قاضی‌زاده، سیده ندا (۱۳۹۰). «*حس رضایت از فضای باز مسکونی (نمونه مورد مطالعه: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران)*». هنرهای زیبا، شماره ۱، ۱۵-۲۴.
https://jfaup.ut.ac.ir/article_24681.html
- بوزان، بری (۱۳۷۸). «*مردم، دولت‌ها و هراس*» (ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹). «*مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*». تهران: انتشارات شهیدی.
- تاج‌زمان، دانش (۱۳۶۴). «*مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟*». تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۲). «*مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک: رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی*». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خالقی‌نیا، سمیه (۱۳۸۸). «*بهره‌برداری از اصول معماری سبز با رویکرد به مفاهیم معماری سنتی ایران در طراحی خانه مسکونی*» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده شهرسازی و معماری.
- راکعی بناب، ندا، حقیقتیان، منصور و جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۶). «*تبیین جامعه‌شناختی پایداری اجتماعی در محلات تبریز*». پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸(۳۱)، ۸۲-۶۳.
SID. <https://sid.ir/paper/220155/fa>
- رضائیان، علی (۱۳۷۹). «*مدیریت رفتار سازمانی*». تهران، سمت، ۱۰۴.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۲). «*توان‌های محیطی ایران*». تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زمانی، طوبی، محسنی تبریزی، علیرضا و شاه‌محمدی، عبدالرضا (۱۳۹۹). «*تبیین جامعه‌شناختی احساس ناامنی اجتماعی و تأثیر آن بر نابرداری اجتماعی (مورد مطالعه ساکنان بالای ۱۸ سال شهر تهران)*». امنیت ملی، ۱۰(۳۸)، ۳۶۳-۳۸۸.
<https://www.noormags.ir>
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). «*درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی*». تهران: انتشارات کیهان.
- سلمان‌پور، فروغ (۱۳۹۵). «*بازیابی تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی معاصر*». شانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- سوزنجی، کیانوش و تریوه، سارا (۱۳۹۰). «*بازطراحی بوستان‌های محله‌ای با تأکید بر توسعه روابط*

- اجتماعی». تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، دوره ۱، ج ۱، شماره ۱، ۱۰۷-۱۲۹.
- <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-1964-fa.html>
- صادقیان، نادر (۱۳۸۳). «محلّه سالم، اساس رعایت توسعه پایدار شهری». تهران: انتشارات اسرار.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). «ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن». تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- صالحی فر، محمد و حسن‌آبادی، منیر (۱۳۸۹). «تحلیلی بر نقش و عملکرد فضاهای سبز در پایدار شهری و دستیابی به توسعه پایدار». پیام سبز، شماره ۸۷، ۵۱-۵۴.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۹۱). «جامعه‌شناسی شهری». تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- عبدالهی، مجید؛ توکلی‌نیا، جمیله و صرافی، مظفر (۱۳۸۹). «بررسی نظری مفهوم محلّه و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محلّه‌های شهری ایران». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، شماره ۲، ۸۲-۱۰۳.
- https://jhgr.ut.ac.ir/article_24452.html
- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۲). «حقوق شهری». تهران: انتشارات مجد.
- کلدی، علیرضا (۱۳۸۱). «انحراف، جرم و پیشگیری. رفاه اجتماعی»، دوره ۱، شماره ۳، ۵۱-۷۲.
- <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1746-fa.html>
- گلابی، فاطمه و زارع‌زاده اردشیر، لیلا (۱۳۹۲). «روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه شهروندان شهر تبریز)». فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال ۴، شماره ۱، ۸-۱۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). «تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید». ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر». رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲، ۱۱-۲۸.
- <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2098-fa.html>
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۳). «رویکرد انسانی به توسعه پایدار محلّه‌ای». مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محلّه‌ای: مفاهیم و رویکردهای نظری توسعه محلّه‌ای. تهران: انتشارات دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- مؤیدی، محمد؛ علی‌نژاد، منوچهر و نوایی، حسین (۱۳۹۲). «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری نمونه مورد مطالعه: محلّه اوین تهران». مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵، ۱۵۹-۱۹۱.
- <https://sid.ir/paper/498973/fa> SID.
- میر مقتدایی، مهتا (۱۳۸۸). «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (مطالعه موردی: تهران)». هنرهای زیبا، شماره ۳۷، ۳۵-۳۷.
- https://jhz.ut.ac.ir/article_27944_6a7c5a62c3542b1f0267d1d0e9cf3a83.pdf
- نقدی، اسداله (۱۳۸۲). «درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری». همدان: نشر فناوران.
- نودری، شعله (۱۳۸۳). «تأثیر طراحی فضاهای باز مسکونی متناسب با شرایط سالمندان در توسعه اجتماع محلّه». همایش توسعه محلّه‌ای، توسعه فضایی و کالبدی محلّه. تهران: انتشارات دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- وبر، ماکس (۱۳۷۵). «شهر در گذر زمان». ترجمه شیوا کاویانی، تهران: انتشارات شرکت سهامی

انتشار.

ب. منابع انگلیسی

- Abrams, P., Bulmer M. (1998), *Neighbours: The Work of Philip Abrams*. New York: Cambridge University Press.
- Araya, R. Dunstan, F. Playle, R. Thomas, H. Palmer, S. & Lewis, G. (October 2006). «*Perceptions of social capital and the built environment and mental health*». Social science & medicine, Vol. 62, No.3072-3083.
- Arturo Ruiz Estrada, M. & Ndoma, I. (September 2014) «*How Crime Affects Economic Performance: The Case of Guatemala*», Journal of Policy Modeling, Vol. 36(5), No.867-882.
- Carmona, M. Heath, T. Oc, T. & Tiesdell, S. (2006), *Public Places – Urban Spaces*, London, Architectural Press.
- Dalgard, O. S. Tambs, K. (1997). «*Urban environment and mental health: A longitudinal study*». British Journal of Psychiatry, Vol. 171, No. 530-536.
- Keller, suzun (1968), *Urban neighbourhood*, Newyork, Random House. Advances in Applied Sociology, Vol.2 No.4.
- Marker Andra, (2003), *What Human Needs Are*, Available At: http://www.beyondintractability.org/essay/human_needs/, Accessed: 25. 05.
- Sampson, R. J. (2003). «*Neighborhood-level context and health: Lessons from sociology*». In I. Kawachi; L. Berkman (Eds.). *Neighborhoods and Health*, Oxford: Oxford University Press.
- Weich, S. Blanchard, C. Prince, M. et al. (October 2002). «*Mental health and the built environment: Cross-sectional survey o f individual and contextual risk factors for depression*». British Journal of Psychiatry. 180: 428- 433
- <https://www.qom.ir>

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



